

افسانه طبقه متوسط

پیرامون مفاهیم کار، فناوری، طبقه و مبارزه‌ی طبقاتی

www.ketab.ir

افسانه طایفه متوسط

پیرامون مفاهیم کار، فناوری، طبقه، مبارزه‌ی طبقاتی
نویسندگان: هری مگداف - راب ویلکی - جان بکس - پرابهات پاتنایک -
مارتین هال - مایکل اسنایدر - شارل اسیتز...
تألیف و ترجمه: مسعود امیدی، ۱۳۴۳ -

تکنولوژی اطلاعات، جنبه‌های اجتماعی طبقه متوسط - بیماری - اثبات تکنولوژی -
جنبش‌های کارگری - اقتصاد مارکسیستی - سرمایه‌داری -

Information-Technology-Social aspects-Middle class-Technological unemployment-

Labor movement- Marxian economics-Capitalism

شناسه افزوده: جدول، نمودار، کتابنامه،

تهران: گل آذین، ۱۳۹۸. ۲۰۰ صفحه

شابک: 978-622-6352-15-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۷ الف ۸ الف/۶۹۰ HT

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۴۸۳۵۳



نشر گل آذین

نسانه طبقه متوسط

نویسندگان: هری گداف - راب ویکم - جان بکتل - پرابهات پاتنایک -

مارتین هال - مایکا اسلندر - شارون اسمیت و...

تألیف و ترجمه: مسعود امیدی

طراح جلد: بهرام اکاران

تایپ و صفحه‌آرایی: نگاه نشر گل آذین

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: آدوین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۲-۱۵-۴

E-mail: GOL_AZIN@YAHOO.COM

WWW.GOLAZINPUB.COM



golazinpub

تهران، خیابان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، پلاک ۱۴۶، واحد ۴

تلفکس: ۷-۶۶۹۷۰۸۱۶

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات گل آذین است. هرگونه اقتباس بدون
مجاز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قابل پیگیری است.

فهرست

پیش‌گفتار	۷
درباره‌ی تأثیر نوآوری‌های فناوری بر اطلاعات بر طبقه‌ی کارگر / مسعود امیدی	۱۳
مفهوم کار از نظر مارکسیسم / هرمان یاسکاف	۲۱
طبقه، کار و فضای سایبری: نقد انقلاب «پساکار» / راب ویلکی	۴۹
سرمایه‌داری با تکنولوژی پیشرفته و جوامع اطلاعاتی / جان بکتل	۶۹
جوامع اطلاعاتی و سرمایه‌داری اطلاعاتی	۸۷
تحول تکنولوژیک و فقیرسازی / پرابهات پاتنایک	۹۷
یادداشتی بر بحث طبقه متوسط / اشاره مترجم	۱۰۵
افسانه «طبقه متوسط» / مارتین هال	۱۰۷
طبقه متوسط در آمریکا در حال زوال است. در این جا به ۶۰ واقعیت اشاره می‌کنیم که این را اثبات می‌کنند. / مایکل اسنایدر	۱۲۳
مارکسیسم، اتحادیه‌ها و مبارزه‌ی طبقاتی آینده در زمان حال / شارون اسمیت	۱۳۷
بدهی، نابرابری و جنبش‌های صنعتی: اول مرغ یا تخم مرغ؟	۱۷۳
پیوست: درباره‌ی اسطوره‌ی ادیب	۱۸۳
منابع	۱۹۱

پیش‌گفتار

مفهوم طبقه‌ی اجتماعی از مهم‌ترین و چالشی‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی سیاسی است و پیچیدگی آن به سبب تنوع تحولات اجتماعی، رشد و توسعه‌ی فناوری، دینامیسم طبقات اجتماعی و مناسبات تولید و توزیع، ساختارها و سازوکارهای مدیریتی، تغییر و تحولات در مفهوم دوران «عصر» تحولات در پارادایم‌های اقتصادی، و... در چارچوب یک پویای سیستمی برمی‌گردد.

با تسلط جهانی‌سازی و نئولیبرالیسم بر حیات اقتصادی و اجتماعی جهان در دهه‌های اخیر و بهره‌برداری روزافزون طبقه‌ی سرمایه‌دار از زیربنای مدیریتی خصوصی‌سازی، برون‌سپاری، کوچک‌سازی، ساختارهای هولدینگ و... از یک سو زمینه‌های عینی انسجام و همبستگی طبقاتی و اجتماعی کارگران به مثابه‌ی یک طبقه‌ی جهانی در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته و تا حدی دچار تحلیل شده است و از سوی دیگر با افزایش فاصله‌ی طبقاتی، بخش‌های فزاینده‌ای از اقشار میانی جامعه به مزدبگیرانی تبدیل شده‌اند که در جستجوی کسانی هستند که حاضر باشند آن‌ها را برای کار مزدی و استثمار جذب کنند. آن‌ها در جستجوی خریدارانی برای

فروش نیروی کار خود هستند تا مانند کارگران کارخانجات و شرکت‌های نیروی کار خود را به آن‌ها بفروشند و از این منظر به بخشی از طبقه‌ی کارگر تبدیل می‌شوند.

مفاهیمی چون تولید، ابزار تولید، تکنولوژی و محصول تولیدی در طول تاریخ و نیز در طی عمر جامعه‌ی سرمایه‌داری تغییر و تحولات زیادی را پشت‌سر گذاشته‌اند. این تغییرات به‌ویژه در دهه‌های اخیر و استفاده‌ی گسترده از دانش سایبرنتیک و تکنولوژی اطلاعات در سیستم‌های تولیدی شتابان‌تر از گذشته بوده است. در همین ارتباط مفهوم "تولید" و مالکیت بر آن نیز از مفاهیم و نمادهای سخت‌افزاری چون کارخانه، ماشین‌آلات و... فراتر رفته و بیش از پیش درگیر با مفاهیم فناوری و نمادهای نرم‌افزاری و سیستم‌ها و ابزارهای گسترده و پیشرفته‌ی برنامه‌ریزی و کنترل، سیستم‌ها و سازوکارهای مدیریت، نظارتی و... مرتبط شد. در نتیجه‌ی این تغییرات، دامنه‌ی شمول تعریف جامعه‌شناسی ما کیستی که نداشتن مالکیت بر ابزار تولید و فروش نیروی کار برای معاش را می‌شمارد، گامیز طبقه‌ی کارگر می‌دانست و از این منظر نیز طبقه‌ی کارگر را اساساً به کارگران فکر ویدی تقسیم می‌کرد، به صورت طبیعی بازتر گردیده و حوزه‌های گسترده‌تری را شامل می‌گردد. در واقع نه استفاده از فناوری‌های پیشرفته در فرآیند منابع‌یابی، تولید، توزیع و فروش و خدمات پس از فروش و نه انتقال تولید به نقاط مختلف جهان برای استفاده از نیروی کار گسترده و ارزان‌تر این مناطق از سوی سیستم سرمایه‌داری، ماهیت استعاره‌ی کارگرانه‌ی مناسبات سرمایه‌داری و راه‌حل اساسی تضاد کار و سرمایه را تغییر نداده است. تغییرات فناوری نه تلاش طبقه‌ی سرمایه‌دار برای افزایش درجه‌ی استثمار از نیروی کار طبقه‌ی کارگر و انباشت بیشتر سرمایه در نقاط مختلف جهان را از بین برده است و نه می‌تواند اعتبار باور جامعه‌شناسی مارکسیستی مبنی بر توسعه‌ی کمی طبقه‌ی کارگر را به زیر سؤال ببرد. برعکس ادعای نظریه‌پردازان مدافع سیستم جهانی سرمایه‌داری، شواهد بسیاری نشان از حذف آن‌چه از سوی آن‌ها به عنوان "طبقه‌ی متوسط" معرفی می‌شد،

دارد. همان به اصطلاح طبقه‌ای که ادعا می‌کنند که راه ایجاد یک جامعه‌ی مبتنی بر توسعه‌ی انسانی و اجتماعی و عادلانه و پایدار، نه از بین بردن سیستم سودمحور سرمایه‌داری بلکه بزرگ کردن آن است. بی‌توجهی به مفهوم طبقه‌ی اجتماعی در جامعه‌شناسی مارکسیستی، سبب شده است که بخشی از اقشار میانی در جامعه‌ی سرمایه‌داری که عملاً با فروش نیروی کار خود زندگی می‌کنند و از سطوح درآمدی و شرایط زیست اجتماعی مناسب‌تری نسبت به کارگران محروم برخوردار هستند، به‌عنوان "طبقه‌ی متوسط" نامیده شوند که یک تعریف نادرست بوده و مفهوم طبقه‌ی اجتماعی را تحت تأثیر از سطوح درآمدی می‌بیند. از سوی دیگر نیز بخشی از خرده‌بورژوازی که در بازار جامعه‌ی سرمایه‌داری و در سیستم توزیع و تولید فعال هستند، نیز مشمول طبقه‌ی متوسط قرار گرفتند.

توجه به این نکته مهم است که استفاده از واژه‌ی متوسط به میانگین درآمد و برخورداری افراد از امکانات و رفاه اجتماعی متمرکز است که به تنهایی تعیین‌کننده‌ی جایگاه طبقاتی نیست. بند ربط با ابزار تولید و خرید یا فروش نیروی کار به‌عنوان مفاهیم اساسی مرتبط با طایفه‌ی اجتماعی در این‌جا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

با این‌که سیستم سرمایه‌داری به‌ویژه در دوران جهانی‌سازی و نفولبرالیسم به حذف آشکار طبقه‌ی متوسط و توسعه‌ی کمی طبقه‌ی کار در براسر جهان انجامیده است، اما ساده‌اندیشی است اگر این توسعه‌ی کمی طبقه‌ی کار را افزایش اشتغال یکسان پنداشته شود. تحولات فناوری به‌ویژه استفاده از فناوری‌های نوین و فراآیندهای تولید و توزیع از یک‌سو به بیکاری ساختاری گسترده منجر شده و از سوی دیگر امکانات گسترده‌ای را برای مدیریت منابع شامل منابع انسانی، مواد، ماشین‌آلات و تجهیزات، منابع مالی و اطلاعات و... در سیستم‌های تولید و توزیع در اختیار طبقه‌ی سرمایه‌دار قرار داده است. بر چنین بستری از واقعیت، انواع نظریات مدیریتی مانند

مدیریت زنجیره‌ی تأمین^۱ برای مدیریت منابع در سطح جهانی برای دستیابی به میزان هرچه بیشتر سود (نظریه‌پردازان مدیریتی مدافع سیستم سرمایه‌داری ترجیح می‌دهند تا با عنوان بهره‌وری از آن سخن بگویند) شکل گرفتند.

استفاده‌ی گسترده از فناوری‌های پیشرفته به‌ویژه فناوری اطلاعات در سیستم‌های کابوکار در مناسبات سرمایه‌داری موجود، سبب شده است که دیگر مانوفاکتورها و کارخانه‌های عصر صنایع دودکشی و تصاویر ارائه‌شده از سوی امیل زولا در رمان ژریمال یا مایم گورکی در رمان مادر، نماد صرف کارگر و صنعت نباشند و طیف بسیار گسترده‌ای از دگرگانی که در کارخانه‌های صنعتی و تولیدی، شرکت‌های کشاورزی، در صنایع خدماتی، در سیستم‌های توزیع و فروش، در سیستم‌های برنامه‌ریزی و مهندسی، در سیستم‌های مالی و... و به‌طور کلی در بخش‌های مختلف صنفی و ستادی سازمان‌های مختلف کابوکار به کار ی‌دی و فکری مزدی مشغول هستند، مشمول تعریف کارگر شد و به همان اجزاء طبقه‌ی کارگر محسوب شوند.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که با این‌که سیستم سرمایه‌داری بر کمیت طبقه‌ی کارگر افزوده است، اما با استفاده از سرکاردی مدیریت ضدکارگری به‌ویژه در قالب نئولیبرالیسم کوشیده است تا از طریق رویکرد به رون خصوصی‌سازی، برون‌سپاری، کوچک‌سازی، مقررات‌زدایی، مدیریت زنجیره‌ی تأمین، استفاده از ساختارهای ماژولار، استفاده از ساختارهای هولدینگ و... به انسداد اجتماعی طبقه‌ی کارگر به مثابه‌ی یک طبقه‌ی اجتماعی که قرار است با افزایش آگاهی، به تمام طبقاتی و اتحاد خود، یک نظام اجتماعی مبتنی بر توسعه‌ی انسانی (سوسیالیستی) را جایگزین سیستم سرمایه‌داری کند، ضربات سنگینی وارد کرده و چالش‌های معینی را در برابر جنبش کارگری در سطح جهان قرارداد است.

تاریخ جنبش اجتماعی طبقه‌ی کارگر اساساً مبتنی بر پرولتاریا یا طبقه‌ی کارگر صنعتی بوده است. انسجام عینی ناشی از حضور تعداد قابل‌توجهی از کارگران در یک فرآیند تولید و در یک محل و زیر یک سقف در یک سیستم تولید انبوه، شرایطی را فراهم آورد که این بخش از طبقه‌ی کارگر از نقشی کلیدی در مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری برخوردار باشد. بدیهی است که یک موتور و موتورسواری که پتزا تحویل می‌دهد، نیز جزء طبقه‌ی کارگر محسوب می‌شوند. اما آن‌ها از وضعیت عینی کارگران صنعتی در یک سیستم تولیدی-صنعتی برای کنش اجتماعی و اتحاد عمل علیه سیستم سرمایه‌داری برخوردارند، نمی‌توانند برخوردار باشند.

آنچه به طبقه‌ی کارگر امکان کنش اجتماعی به‌عنوان یک طبقه را می‌دهد، بیش از هر چیز دیگر، به‌دلیل فعالیت‌های هماهنگ و سازمان‌یافته‌ی این طبقه در دفاع از حقوق اجتماعی خود، مرتبط است. امروزه در سراسر جهان شاغلان سازمان‌های بزرگ و سراسری در صناعی چون حمل‌ونقل، هواپیمایی، راه‌آهن و مترو، معلمان، پرستاران و کادر پزشکی و... در قالب انجمن‌ها، بنیادهای تشکیلی صنفی و... در کنار همبستگی و یکپارچگی کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی، از پتانسیل‌های اجتماعی قابل توجهی برای کنش اجتماعی طبقه‌ی کارگر برخوردار هستند. شواهد جنبش کارگری در جهان نشان از آن دارند که نئولیبرالیسم علی‌رغم تلاش متارپ خود برای نابودی زمینه‌های انسجام و همبستگی طبقه‌ی کارگر، همچنان با چالش‌های جدی در این زمینه‌ها مواجه است. با این وجود به دلایل عینی فراوان، پتانسیل موجود در کارگران صنعتی (پرولتاریا) که در ادبیات مارکسیستی بر آن تمرکز شده است، محفل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

جنبش‌های ضدسرمایه‌داری در جهان امروز محدود به طبقه‌ی کارگر صنعتی نیست و خیل عظیم آسیب‌دیدگان از نئولیبرالیسم شامل جنبش ۹۹ درصدی‌ها، طیف وسیع مزدبگیران، کارگران مهاجر، طرفداران محیط زیست، آوارگان جنگ‌های تجاوزکارانه

و مداخله‌گرانه‌ی امپریالیستی و حتی جنبش‌های برابری طلبانه ضد نژادپرستی و فمینیستی و... نیز به میزان زیادی جهت‌گیری ضد سرمایه‌داری یافته‌اند و به‌عنوان متحدان بخش صنعتی طبقه‌ی کارگر (پرولتاریا) عمل می‌کنند. درست است که بخش عظیمی از این نیروهای آسیب دیده و معترض به سیستم جهانی سرمایه‌داری از جمله مهندسان و مدیران مزدبگیر شرکت‌ها و سازمان‌ها را هم از این منظر که نیروی کار خود را می‌فروشند، می‌توان جزء طبقه‌ی کارگر محسوب نمود اما استیاه بزرگی است اگر این طیف از نیروی اجتماعی متعلق به طبقه‌ی کارگر با ویژگی‌هایی همسان با کارگران صنعتی تصور شود.

بدیهی است که برای این سخن چشم فرو بستن به پتانسیل‌های جنبش‌های اجتماعی چون ۹۹ درصدی‌ها، دانشجویان شهر، طرفداران محیط زیست، مهاجران و... در جوامع سرمایه‌داری است. این جنبش‌ها با طیف متنوع شرکت‌کنندگان در آن وضعیت عینی اجتماعی‌ای که بر آن‌ها را به یک نیروی پیگیر و انقلابی تبدیل کند، فاصله دارند. با این وجود، این جنبش‌ها اساساً به‌عنوان متحدین طبقه‌ی کارگر صنعتی در مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری جهانی مطرح‌اند.

امروزه بخش بسیار عظیمی از سرمایه‌ها در سرمایه‌گذاری‌های مالی، بازرگانی و امور خدماتی در گردش است. این واقعیت تأثیر خود را بر ساختار طبقه‌ی کارگر نیز می‌گذارد و جنبش‌های کارگری در کشورهای سرمایه‌داری را با بزرگیایی همراه می‌کند که آن را با جنبش کارگران صنعتی در دهه‌های پیش از سلطه نئولیبرالیسم تا حدی متفاوت می‌کند. درک این تفاوت‌های سیاسی و تأثیرات آن‌ها بر جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری از منظر جامعه‌شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است.